



توضیح نامه

ایلیکا سٹیگتر و ایلساندرو مونسوتی

اپریل ۲۰۰۵

شبکه های فراملتی: شناسائی واقعیت‌های منطقی

خلاصه موضوع^۱

هدف این توضیح نامه اینست که بر اهمیت شبکه های فراملتی مهاجرت در بازسازی افغانستان روشنی انداخته شود. این توضیح نامه آن اقداماتی را خاطر نشان میسازد که بتوانند مصارف مالی و سایر مصارف انسانی را که به ایران مهاجرت مینمایند کاهش دهند و یا از بین برند و در عین زمان امنیت افراد و دولت را در هر دو طرف سرحد تضمین نمایند. این توضیح نامه استدلال مینماید که حکومت افغانستان و طراحان پالیسی باید امکانات اقتصادی مهاجرت منطقی نیروی کار را برای رشد آینده افغانستان درک و قبول نمایند.

از ماه دسمبر سال ۲۰۰۱ پس از سقوط طالبان و ایجاد حکومت موقت در افغانستان، شمار بزرگ مهاجرین افغان به کشور بازگشته اند. مطابق به ارقام کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) در مورد عودت مهاجرین در اواخر ماه جنوری سال ۲۰۰۵ به تعداد ۲،۲۵۶،۷۱۲ نفر از پاکستان و به تعداد ۷۶۷،۸۸۷ نفر از ایران برگشته اند. در واقع از جمله ای سه میلیون افغانهاییکه درین دو کشور اقامت دارند ممکن است بیشتر از یک میلیون افغان طی دو سال آینده به کشور عودت نمایند. چنین سطح بازگشت نه تنها نشاندهنده اعتماد بر دولت نو بنیاد میباشد، بلکه انعکاس دهنده توقعاتی است که توسط وعده های دونه ها جهت بازسازی کشور و همچنان بعلت وخامت شرایط زندگی در محلات پناه گزینی ایجاد گردیده است. این امر تا حدودی از اتخاذ پالیسی های فزاینده مقامات ایرانی و پاکستانی متأثر گردیده است تا افغانها را مجبور سازند که بکشور شان بازگشت نمایند زیرا حکومتی که از حمایت جامعه بین المللی برخوردار است در کابل ایجاد گردیده است.

صرف نظر از سطح بلند بازگشت مهاجرین به افغانستان، خانواده ها و افراد به حرکت شان ادامه میدهند و چنان مینمایند که در حالیکه رفت و برگشت از سرحد که یک استراتیژی کلیدی معیشت میباشد گمان نمیرود که متوقف گردد. بسیاری افغانها برای سالهای متمادی در حال حرکت از یک محل به محل دیگری بوده اند و برخی از آنان هرگز به محل اصلی خویش بر نمیگردند، عده دیگری صرف مؤقلاً به محلات اصلی شان بازگردیده و دوباره به ایران و یا پاکستان بر میگردند. خصوصاً مردان جوان که قبلاً به جایی مسافرت ننموده بودند، هنوز هم ترجیح میدهند که به کشور های همجوار افغانستان بروند و این نشاندهنده آنست که آوارگی نه تنها بواسطه جنگ واقع میشود، بلکه علل دیگری نیز وجود دارند که انگیزه حرکت بسوی ایران و پاکستان میباشد.

شبکه های فراملتی:

این توضیح نامه بر ماهیت شبکه های فراملتی افغانها روشنی می اندازد و استدلال مینماید که پالیسی سازان افغان و بین المللی باید اهمیت مهاجرت منطقی را برای آینده افغانستان در نظر گیرند.

محتویات

۱. علل مهاجرت
۲. تصویر کلی از مهاجرت
۳. شبکه های قاچاق و طرق ورود به ایران
۴. بازار نیروی کار غیر رسمی در ایران
۵. عواید، مصارف و پس انداز
۶. راه بسوی آینده: مهاجرت منجیث یک استراتیژی معیشتی و کلیدی

^۱ ایلیکا سٹیگتر یکی از مشاورین واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) بوده که در مورد دو مطالعه راجع به مسایل شبکه فراملتی در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ پژوهش نموده و آنرا برشته تحریر در آورده است. ایلساندرو مونسوتی مشاور پروگرام تحقیقات فراملتی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بوده و در حال حاضر انتروپولوژی (انسان شناسی) اجتماعی و میشود های اجتماعی را در علوم اجتماعی در انستیتوت مطالعات انکشافی ژنیو تدریس مینماید. این توضیح نامه بر یافته های دو مطالعه مسایل شبکه فراملتی استوار میباشد که توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سالهای ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ منتشر گردیده و بخشی از پروگرام جاری تحقیقات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد شبکه فراملتی میباشد که توسط کمیسیون اروپا، دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) و Stichting Vluchteling تمویل گردیده است. این پروگرام تحقیقاتی شامل پژوهش ها در افغانستان، ایران و پاکستان میباشد.

مهاجرت به کشور های همجوار افغانستان و مقدار قابل توجه پول هائیکه به خانه هایشان میفرستند، نه تنها پیامد جنگ و فقر میباشد، بلکه یک شیوه مؤثر معیشت برای خانواده ها میباشد که در اقتصاد کشور در مجموع نقش کلیدی ایفا مینماید. یک نمونه واضح و چندین بعدی عبور و مرور از سرحد وجود دارد که دلالت بر ماهیت دورانی مهاجرت نموده و حد تمایز میان "پناه گزینان" و ناقلین "اختیاری" را مغشوش میسازد. نظریه اسکان مجدد همیشگی و یا آوارگی دایمی جنبه کثیرالوجه حرکت نفوس را که دارای جهات متعدد است در نظر نمیگیرد. افغانهای که در مناطق مختلف پراکنده اند از طریق حرکت دورانی مردم، پول و کالا و همچنان اطلاعات باهم مرتبط باقی میمانند و بدین ترتیب افغانهای که در ماورای سرحدات بین المللی با همدیگر معامله و همکاری مینمایند شبکه های فراملتی را تشکیل میدهند.

طراحان پالیسی باید این نتیجه گیری را در نظر گیرند که عودت تمام افغانهای که در کشور های همسایه زندگی مینمایند امکان پذیر و عملی نیست و اینکار بدون شک تأثیر منفی بر بازسازی کشور خواهد داشت. در طرح ریزی یک پاسخ مناسب به مسئله مهاجرت افغانها، حکومت افغانستان، ایران و پاکستان توأم با جامعه امداد باید:

- در نظر داشته باشند که مهاجرت نه تنها یک عکس العمل به جنگ و مشکلات اقتصادی میباشد، بلکه یک استراتژی کلیدی معیشت نیز میباشد که فراتر از پروگرام عودت داوطلبانه دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) ادامه خواهد داشت؛
- پلان های دو جانبه مهاجرت نیروی کار را طرح نمایند که برای کارگران افغانی در ایران هؤیت و حقوق قانونی بخشد
- دسترسی افغانها را به پاسپورت اسان تر نمایند
- سطح آگاهی را در خصوص سهم افغانها از لحاظ نیروی کار و سایر ملحوظات به اقتصاد ایران و پاکستان افزایش دهند
- در مطابقت با کنوانسیون های بین المللی به موقف پناه گزینان ارج گذاشته و از آسیب پذیر ترین افراد حمایت نمایند

نظریه اسکان مجدد
همیشگی و یا آوارگی
دایمی جنبه کثیرالوجه
حرکت نفوس را در نظر
نمی گیرد.

۱. عوامل مهاجرت

مهاجرت به حیث یک شیوه زندگی

از سال ۱۹۷۸ بدینسو افغانستان بواسطه جنگ ها و نا آرامی های داخلی دچار از هم گسیختگی گردیده و یکی از مهمترین موارد آوارگی نفوس را در جهان ایجاد نموده است. شیوه های که درین سالهای متمادی توسط افغانها انکشاف داده شده اند صرف با استعمال کلمه "پناهنده" آنگونه که در کنوانسیون سال ۱۹۵۱ و پروتوکول سال ۱۹۶۷ آمده است و یا با استعمال کلمه "کارگر مهاجر" توضیح شده نمیتواند. توأم با عدم امنیت سراسری، تفاوت سطح اقتصاد میان افغانستان و ایران از زمان های طولانی افغانها را به مهاجرت به کشور همسایه شان واداشته است تا کاری را پیدا نموده و از مزایای عاید بلند تری بهره مند گردند.

در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ صنعتی سازی افغانستان غیر مرعی بود و برای تحصیل کرده ها و اهالی رو به افزایش دهات فرصت های کافی اشتغال وجود نداشت. در سال ۱۹۷۳ رونق در صنایع نفتی شرق میانه انگیزه ای برای بسیاری افغانها بود تا به ایران بروند و از فرصت های زیاد کاری بهره مند گردند. با افزایش تقاضا برای پول نقد ارسال پول به افغانستان از خارج نیز افزایش یافت و فقط قبل از آغاز اشغال شوروی صد ها هزار کارگر مهاجر افغان در ایران بسر میبردند.^۲

فرصت های بهتر اشتغال و دستمزد های نسبتاً بلند و همچنان پیگرد در بی پناه گزینی و رفاه هنوز هم مردان افغان را تشویق مینماید تا صرف نظر از مشکلات افغانها در ایران از مرزهای انکشور عبور نمایند. برای بسیاری آنها مهاجرت به یک شیوه زنده گی مبدل گردیده است. مهاجرت اکنون شکل خیلی سازمان یافته بخود گرفته است و شبکه های فراملتی ایکه جهت کمک به مهاجرت انکشاف یافته اند عنصر عمده و حتی سازنده حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی افغانها را تشکیل میدهد. یکی از شگفت انگیز ترین جنبه های این پدیده جریان قابل توجه سرمایه ای که وارد افغانستان میگردد که در بازسازی کشور نقش قاطع دارد.^۳

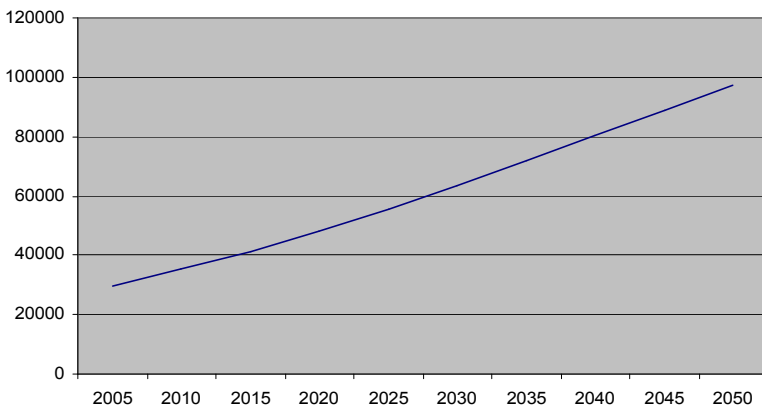
^۲ بارنیت روبین، ۲۰۰۲. فروپاشی افغانستان: ایجاد و سقوط دولت در سیستم بین المللی، نیو هاوین، مطبعه پوهنتون نیل، ۷۹.

^۳ مهاجرت منحیت یک شیوه مهم معیشت که همیشه میان افغانها وجود داشته است در کار های تحقیقاتی قبلی واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان مورد توجه بوده است و این تحقیقات بر اهمیت مثبت آن تأکید نموده است: پین و لاوتز، ۲۰۰۴. بررسی معیشت ها در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۳۲؛ کریستوپلوس، ۲۰۰۴. آیا پالیسی زراعتی و معیشت ها در افغانستان با هم مطابقت دارند؟، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۳۱-۲۹؛ گریس و پین، ۲۰۰۴. تجدید نظر بر معیشت های دهاتی در افغانستان، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۴۹.

افزایش نفوس

گرچه ارقام دقیق درین زمینه وجود ندارد ولی در اواخر سال ۱۹۷۰ نفوس افغانستان در حدود ۱۵ میلیون نفر تخمین گردیده بود، در حالیکه در سال ۲۰۰۴ ملل متحد نفوس آنرا ۲۹،۸۶۳،۰۰۰ نفر تخمین نمود است. ملل متحد همچنان تخمین مینماید که الی سال ۲۰۵۰ نفوس افغانستان سه برابر خواهد گردید و رقم ۹۷،۳۲۴،۰۰۰ را تشکیل خواهد داد.^۴

شکل ۱: پیشبینی در مورد نفوس افغانستان الی سال ۲۰۵۰



منبع: بخش نفوس دیپارتمنت امور اقتصادی و اجتماعی دارالانشای ملل متحد، دورنمای نفوس جهان: تعدیل سال ۲۰۰۴ و دورنمای شهری شدن جهان: تعدیل سال ۲۰۰۳. <http://esa.un.org/unpp> (به تاریخ ۷ مارچ سال ۲۰۰۵ ملاحظه گردید).

علیرغم جنگ و آوارگی وسیع افغانها، نفوس افغانستان طی ۲۵ سال گذشته بصورت دراماتیک افزایش یافته است که بخش اعظم آنرا جوانان تشکیل میدهد (۴۴٫۷ فیصد جوانان بین سنین ۰ الی ۱۴ ساله).^۵ در برخی مناطق مانند بهسود محاسبه کثرت نفوس بر اساس زمین قابل زرع بیشتر از بنگله دیش میباشد.^۶ اندازه قطعات زمین مردم با هر نسل کاهش می یابد، زیرا رسم میراث مستلزم تقسیم ملکیت میان پسران خانواده است. در عین زمان رشد اقتصادی در مراکز شهری کافی نبوده است تا شمار فزاینده افغان هائیرا که بکار ضرورت دارند در خود جذب نمایند. این امر موجب تغییر شکل در سطح ثروت گردیده است، زیرا برخی خانواده های

^۴ ملل متحد، دورنمای نفوس جهان: بیس اطلاعاتی تعدیل نفوس جهان، <http://esa.un.org/unpp/p2k0data.asp> (به تاریخ ۷ مارچ ۲۰۰۵ ملاحظه گردید).

^۵ ۵۲٫۹ فیصد نفوس در سنین ۱۵-۶۴ سال و ۲٫۴ فیصد در سن ۶۵ سالگی و یا بالاتر از آن قرار دارند.

^۶ جانسون، مارچ ۲۰۰۰، مطالعه بنیادی هزاره جات- گذارش مؤقت، دفتر ناظم ملل متحد، ۴۶.

گذاری های بزرگ را در ربنای شهر فراهم نموده است. هر چند فرصت های کاری نامنظم و اکثراً نامطمئن میباشند، اکثر مردم (بشمول عودت کنندگان) که ارتباطات و واسطه دارند عموماً قادر به یافتن کار گردیده اند. ولی چند کیلو متر خارج از حدود شهر به علت خشکسالی، قلت زمین، افزایش نفوس و این حقیقت که هیچ نوع صنایع ایجاد نگردیده اند فرصت های اشتغال محدود میباشند. در تمام طبقات اجتماعی و اقتصادی و گروه های قومی بیشترین تعداد مردان از هرات در جستجوی کار عازم ایران میگردند.

در یک مرکز کوچک ولایتی مانند میمنه در ولایت شمال غربی فاریاب برای کارگران ماهر و غیر ماهر در صنایع، امور ساختمانی و تجارت کار های دائمی وجود ندارد. آنانیکه در صنایع کوچک محلی مانند چرم سازی دارای مهارت های سنتی اند در قسمت حصول قرضه ها و فروش تولیدات شان به علت زیربنای ضعیف، خشکسالی و تأثیرات جهانی سازی با مشکلات مواجه اند. شهرک های ولایتی مانند میمنه که حتی قادر نیستند که ضروریات باشندگان خود را مرفوع سازند برای تأمین فرصت ها برای ساحات دهاتی اطراف خویش امیدواری اندکی دارند.

فقدان حاکمیت قانون

بیشتر از دو دهه جنگ نه تنها زیربنای افغانستان را ویران نمود، بلکه ساختار های حکومتی را نیز تضعیف نموده و در بسیاری مناطق کشور موجب فقدان حاکمیت قانون گردیده است. افغانهای متعلق به تمام گروه های قومی علاوه بر شرایط مشکل اجتماعی و اقتصادی به علت بی ثباتی سیاسی هنوز هم احساس بی امنیتی مینمایند.

در حال حاضر، مهاجرت به کشورهای همسایه افغانستان به علت شرایط اختناق و نگرانی های امنیتی بخش اقل را تشکیل میدهد، ولی سطح مهاجرت های وابسته به قضایای پناه گزینی هنوز هم در برخی ساحات قابل ملاحظه است. در حالیکه مهاجرت در قدم نخست بنا بر ملحوظات اقتصادی صورت میگیرد ممکن است انگیزه ها مختلط باشند زیرا بسیاری مردان هنوز هم بعلت تشنجات قومی خصوصاً در شمال افغانستان قریه هایشان را ترک میگویند تا از سربازگیری جبری و جزیه گیری توسط برخی قوماندانان محلی رهائی یابند.

مرفه منبع اولیه عواید خویش را از دست میدهند (زمین کشاورزی، مواشی)، در حالیکه برخی مردم متشبه صاحب صنایع و تجارت جدید میگردند.

تأثیرات خشکسالی و آفات

خانواده های روستایی افغان چه دارای زمین و چه بدون زمین و مواشی مجبور بوده اند تا استراتیژی معیشت شان را چنان عیار نمایند تا با تأثیرات خشکسالی مقابله نموده بتوانند. مهاجرت مردان خصوصاً بیحیث یک شیوه پاسخ به تأثیرات خشکسالی سالهای ۱۹۷۰ و بعداً در اواخر سالهای ۱۹۹۰ تبارز نمود. هر چند سال ۲۰۰۳ شاهد انکشافات عمده در ارتباط با بلندترین سطح حاصلات بود، در سال ۲۰۰۴ افغانها حد اقل در ۱۷ ولایت بازم با تأثیرات خشکسالی متمادی، پائین بودن سطح آب، کاهش ذخایر برف و کمبود باران مواجه بودند. در جریان جنگ به علت تجاوز نظامی و سهل انگاری بسیاری تأسیسات آبیاری تخریب گردیده اند و این امر موجب وخامت مسئله کمبود آب گردیده است، بر علاوه امراض نباتی و تخم های بی کیفیت موجب خساره بیشتر به حاصلات گردیده است. چنین اوضاع موجب گردیده است که بسیاری مردان دهاتی منجمله دهاقین اجاره گیر و سهم گیر و همچنان مالکین کوچک در ساحات نیمه شهری محلات اصلی خویش را ترک گویند. آنچنانیکه یک ارباب (بزرگ و یا نماینده یک قریه) در ولایت فاریاب خاطر نشان ساخت، "پنجصد مرد از ایران برخوانند گشت، ولی ممکن است یکهزار دیگر ترک دیار نمایند، زیرا آنها توانائی اعاشه خانواده هایشانرا ندارند.

انکشاف نامتوازن اقتصادی

رشد نامتوازن انکشاف اقتصادی افغانستان را جداً متضرر میسازد، زیرا فرصت های تجارت در انحصار ثروتمندان و قدرتمندان قرار گرفته است.^۷ اقتصاد غیر رسمی و بازار سیاه بخش بزرگ اقتصاد افغانستان را تشکیل میدهد، در حالیکه تجارت رونق یافته مواد مخدره توسط قوماندانانی کنترل میگردد که زارعین را مجبور به تولید آن می نمایند.^۸ حتی با رشد اقتصادی ایکه پس از ختم رژیم طالبان در شهر های بزرگ صورت میگیرد، سرمایه گذاری به مقیاس بزرگ و پروگرام های اضطراری و انکشافی ملی بصورت نامتوازن به مناطق مختلف کشور توسعه یافته است.

بطور مثال، هرات در غرب افغانستان به علت تجارت آن با ایران در حالت شگوفانی است و عواید حاصله از گمرکات زمینه سرمایه

^۷ لیستر و پین، ۲۰۰۴. تجارت بر قدرت: سیاست بازار "آزاد" در افغانستان. کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU).

^۸ در سال ۲۰۰۳ افغانستان ۳۶۰۰ تن متریک تریاک تولید نمود که بیشتر از سه چهارم تأمینات تریاک غیر قانونی و هیروئین را تشکیل میدهد. دفتر ملل متحد در مورد مواد مخدره و جرایم، ۲۰۰۴، گزارش در مورد مواد مخدره در سال ۲۰۰۴، ۵۹.

۲. تصویری از مهاجر

چیزی را برای مصارف عروسی پس انداز نمایند و زندگی دوری از خانه والدین را تجربه نمایند. نخستین اقامت در ایران

اکثراً طویل ترین میباشد (برخی اوقات الی چهار و پنج سال و یا بیشتر از آن)، در حالیکه مردان متأهل حد اکثر برای دو سال خانه را ترک میگویند.

ترکیب خانواده

بسیاری خانواده ها کوشش مینمایند که یکی از مردان شان منحصراً یک وسیله جاری کمک مالی همیشه در ایران باشد. نه تنها سن و حالت مدنی، بلکه ترکیب خانوار نیز تعیین کننده این امر است که کی مهاجرت نماید: هر گاه یک پدر خیلی پیر و یا مریض باشد درین صورت در خانه میماند و هر گاه یک خانواده صرف یک فرزند داشته باشد درینصورت اغلباً به وی اجازه داده نخواهد شد که به ایران برود. شوهران در سالهای بیست، سی و حتی اوایل سالهای چهل عمر شان معمولاً مهاجرت مینمایند و مردان مجرد و یا نامزد در سالهای نوجوانی و یا اوایل سالهای بیست مهاجرت مینمایند. مهاجرت فرزندان بزرگتر الزامی نیست، بلکه بزرگترین پسرانی که ازدواج نموده اند مهاجرت مینمایند. در موارد استثنائی زن و یا مادر در خانه بدون حفاظت مرد باقی میماند، ولی اکثراً یکی از خویشاوندان مرد از وی مراقبت لازم را بعمل خواهد آورد. در میان برادران مهاجرت اکثراً بشکل نوبتی صورت میگیرد: یک مرد عازم ایران میگردد، پس از دو و یا سه سال یکی از برادرانش به وی می پیوندد و از تجربه و ارتباطات وی می آموزد، آنان برای چند هفته و یا ماه باهم میباشند، پس از آن برادر اولی دوباره به افغانستان برمیگردد و این حرکت دورانی ادامه مییابد.

چه کسی تصمیم می گیرد؟

تصمیم خانواده ها در مورد مهاجرت وابسته به شیوه های عمومی معمول در خانواده میباشد. در برخی موارد مردان بالغ خود در مورد مهاجرت تصمیم میگیرند، ولی اکثراً درین تصمیم پدر و یا برادران دخیل میباشند. برادران و عمو زاده ها و برخی اوقات خویشاوندان دور و همسایگان با همدیگر کمک مینمایند و حتی ممکن است مصارف سفر به ایران را تأمین نمایند. حضور دوستان و خویشاوندان در خارج محل نهائی مهاجرت را تعیین مینماید.

در تصمیم گیری مردان جوان در مورد مهاجرت گرایشات مختلف وجود دارند: بسیاری از آنان قبل از عزیمت رضایت والدین خود را حاصل مینمایند، در حالیکه از برخی دیگر به علل خاص از جانب

توأم با عوامل خارجی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و محیطی مهاجرت، حالات و شرایط فردی مانند جنسیت، سن و ترکیب خانوادگی نیز بر تصمیم در مورد مهاجرت تأثیر دارند. یک مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) نشان میدهد که مهاجرت های اخیر یک پدیده مختص به ذکور میباشد که مردان مجرد و متأهل هر دو جهت جستجوی کار به ایران و پاکستان میروند.

شبکه های حفاظتی برای خانواده ها در داخل کشور

بصورت اخص شمولیت یک خانواده در شبکه های حمایتی تعیین کننده این امر میباشد که آیا برای یک عضو مرد خانواده جستجوی کار در جاهای دیگر مقدور است یا نه؟ دسترسی به منابع (مانند منابع مالی، کالاها و قرضه) از شبکه های افقی حمایت زمانی ممکن است که خانواده ها دارای وسایل کافی جهت بازپرداخت آن باشند. صرف درینصورت و یا در حالاتیکه شبکه های عمودی تقسیم منابع (بر مبنای قومیت و یا دیگر وجوه مشترک) حفاظت کافی را به خانواده تأمین نمایند، درینصورت مردان با این اطمینان که اعضای باقیمانده خانواده از مواظبت برخوردارند رخت سفر مینهند. مهاجرت های معاصر در بر گیرنده تمام طبقات اجتماعی و اقتصادی و گروپ های قومی است: کارگران روزمزد، سوداگران کوچک، دهاقین سهم گیر، دهاقین اجاره گیر و ملاکین کوچک همه در میان آنانی شامل اند که در جستجوی کار راه ایران را در پیش میگیرند.

سن و سال و حالت مدنی مهاجرین

مردانیکه راه مهاجرت را در پیش میگیرند اکثراً آنانی اند که جسماً سالم بوده و از لحاظ فیزیکی قوی بوده و در سالهای نوجوانی، سالهای بیست، سی و یا اوایل سالهای چهل زندگی خویش اند. مردان مجرد اکثراً بخاطری بدنبال کار در خارج اند که پولی برای پرداخت طویانه پس انداز نمایند و همچنان مخارج والدین و اعضای کوچک خانواده را تأمین نمایند. شوهر به خاطری میرود که جهت تأمین مخارج ابتدائی خانواده خود پول بفرستد.

برای مردان جوان مهاجرت برخی اوقات یکنوع "رسم مسافرت" میباشد که طی آن آنان میتوانند بصورت مستقلانه زندگی نمایند و توانمندی خویشرا منحصراً اشخاص بالغ به اثبات رسانند. آنها معمولاً قبل ازینکه ازدواج نمایند یکبار به ایران میروند تا بتوانند

نقش زنان در اینکه آیا یک نوجوان به مهاجرت برود و یا خیر معمولاً به مردم گفته نمیشود. در حالیکه گمان می‌گردد که مردان متأهل تمام تصمیم مربوط به خانوار را اتخاذ مینمایند، زنان و خصوصاً مادران در مواردیکه مسئله مربوط به بچه های نوجوان باشد ممکن است بر پروسه تصمیم گیری نفوذ قوی داشته باشند.

خانواده خواسته میشود تا عزیمت نمایند، مانند احتمال سربازگیری جبری. در برخی موارد نوجوانان بشکل گروپ وار بدون مطلع ساختن والدین شان عزیمت مینمایند که اکثراً علت آن این است که آنان توسط قاچاقبر فریب داده میشود و آنانرا با وعده های معاشات بلند و زندگی مجلل به اینکار ترغیب مینماید.

۳. شبکه های قاچاق و راه های ورود به ایران

قومیت، محل اصلی و توصیه های شخصی در انتخاب یک رهنما قبل از رسیدن به منطقه بلوچ ها در جنوب افغانستان دارای اهمیت اساسی اند، خصوصاً چینیکه مهاجرین بی تجربه باشند. با دیگر شبکه های قاچاقبری نیز همکاری صورت میگیرد تا کمک و رهنمائی لازمه را مبدول نمایند: بطور مثال، دریوران تاکسی میتوانند مهاجرین را به قاچاقبران معرفی نمایند (و بدین ترتیب مصارف را افزایش دهند).

عبور از سرحد ایران خطرناکترین بخش سفر میباشد، زیرا گزیه همیشه قطار را کشف کرده میتواند. مهاجرین عموماً توسط قاچاقبران بلوچ رهنمائی میگردند و آنها را با پای پیاده از سرحد عبور میدهند. پس از آن آنها در موتر هائیکه قاچاقبر آماده نموده است به محل مورد نظر انتقال داده میشوند و در طی راه قاچاقبر روابط حساس با پولیس ایران را تنظیم مینماید. خطرات زیادی وجود دارند، هر چند با هر چه بیشتر بسوی غرب حرکت گردد محلات کنترل کمتر میگردند. در هر محل کنترل ممکن است پرداخت رشوه لازم افتد و همیشه ممکن است که پولیس و یا عساکر از قبول پول امتناع ورزند و همه را روانه اردوگاه و بعداً رد مرز نمایند.

سیاست پاسپورت

از زمان سقوط طالبان شمار فزاینده مهاجرین توانسته اند که جهت رفتن به ایران پاسپورت و ویزه بگیرند، هر چند اکثریت سرحد را بطور غیر قانونی عبور مینمایند. مصرف رسمی یک پاسپورت ۱،۱۶۰ افغانی (۲۳،۲۰۰ دالر امریکائی) میباشد، ولی بسیاری ها مجبور میگردند که بعلت عدم آگاهی در مورد قیمت رسمی پاسپورت و تورم مصارف ناشی از فساد اداری پول بیشتری بپردازند. این امر همچنان به پروسه حصول ویزه ایران نیز صدق مینماید، زیرا قیمت رسمی میان ۳۰ دالر امریکائی برای ویزه توریستی الی ۹۰ دالر برای ویزه تجارت میباشد.

دریافت پاسپورت از طریق طرزالعمل رسمی مقتضی زمان زیادی بوده و مستلزم آنست که درخواست دهنده دارای تذکره تابعیت و یا کدام سند دیگری باشد که موجودیت وی را ثابت سازد. اکثریت

اکثریت بزرگ افغانهائیکه به ایران مسافرت مینمایند به استفاده از قاچاقبران متوسل میگردند تا آنانرا در عبور از سرحد رهنمائی نمایند. برای این هدف از دو محل رسمی عبور از سرحد در غرب افغانستان یعنی اسلام قلعه در ولایت هرات و زرنج در نیمروز استفاده نمیگردد. علاوه بر آن، راه های قاچاق مردم دایماً نظر به تغییر شرایط عیار میگردند. در حال حاضر اکثر راه ها از طریق ولایات فراه و نیمروز در جنوب غرب افغانستان میگذرند.

عملکرد قاچاقبران

قاچاقبران عبور از سرحد میان افغانستان و ایران را تنظیم مینمایند. آنها همچنان نگهداشت روابط اجتماعی را در یک ساحه وسیع جغرافیائی تسهیل نموده و در شبکه های فراملتی مردمی که در کشور های مختلف پراکنده اند نقش حیاتی را ایفا مینمایند. شبکه های قاچاق متنوع بوده و آنانیکه درین ساختارها اخذ موقع نموده اند نیز متنوع اند.

در حالیکه برخی مهاجرین با تجربه با اتکا بخود این راه را در پیش میگیرند تا مصارف استخدام قاچاقبر در آغاز سفر کاهش یابد، اکثراً بالاخره شامل یک گروپ الی ۲۰ نفره میگردند. معمولاً یک رهنما از منطقه آنانرا رهنمائی مینماید و بحیث یک میانجی کار مینماید تا با مردم در تماس گردد. قاچاقبر (عموماً یک بلوچ و یا پشتون محلی) که عبور از مرز را تنظیم مینماید و پس از آن این گروپ را به قاچاقبر دیگر در ایران تسلیم مینماید. رهنمای اولی میتواند یکی از اقارب و یا همسایگان محل اصلی مهاجر باشد و اگر چنین باشد وی اغلباً وظایف دیگری نیز بعهده میگیرد، مانند تأمین قرض، تسهیل در کارگماری، کارشناس طرق ارسال پول و یا قاصد انتقال دهنده پیام ها، خصوصاً در صورتیکه وی گروپ را در طول راه الی شهر مورد نظر در ایران همراهی نماید. یک مهاجر باتجربه میتواند بخاطر مسئولیت اضافی خویش انعام دریافت نماید و یا اینکه برخی اوقات وظیفه رهنمائی را نماینده یک گروپ اقارب بعهده می گیرد.

بزرگ افغانستان بعثت مشکلات سالهای متمادی جنگ دارای چنین اسناد نمیباشند. موانع دیگر در جهت حصول پاسپورت نداشتن پول و وقت برای تهیه رشوه های لازم و نداشتن مصارف اقامت و سفر میباشد، البته در صورتیکه ولایت سکونت اصلی دارای بخش فعال پاسپورت در حکومت محلی نباشد (همانند میمنه). برای درخواست دهندگانی که واسطه ندارند اکثراً در قسمت آنانیکه از ولایات همجوار اند از تبعیض کار گرفته میشود، چون صرف در هفت مرکز ولایتی پاسپورت صادر شده میتواند.

در نتیجه این مشکلات، بسیاری آنانیکه به مهاجرت میروند پاسپورت هایشان را بطور غیر قانونی بدست می آورند. هرات همانند دیگر شهر های عمده دارای بازار سیاه پر رونق میباشد که در آن پاسپورت های جدید و استفاده شده خریداری شده میتوانند. شبکه های جنایتکار قادر اند که مردان فقیر را که پلان رفتن به ایران را دارند استثمار نمایند و در مقابل پاسپورت های جعلی موجب قرضداری قابل ملاحظه آنان گردند. گفته میشود که در سال ۲۰۰۴ مردمان قریه در یک منطقه فاریاب پاسپورت های غیر قانونی را در مقابل ۱۵،۰۰۰ افغانی (۳۰۰ دالر امریکائی) خریداری مینمودند که تقریباً ۱۳ برابر قیمت رسمی میباشد.

اخراج شدگان نیز مایل اند تا دو باره وارد ایران گردند تا بدون ارسال پول موعود و یا متوقعه به خانه باز نگردند. ولی برای برخی مردان تجربه اخراج که میتواند شامل خشونت فیزیکی توسط پولیس ایران و کار اجباری گردد چنان ضربه شدید روانی است که آنها به هیچ وجه نمیخواهند دوباره با آن مواجه گردند.

مصارف سفر

سفر به ایران نه تنها مستلزم مصارف مالی است، بلکه صدمات عاطفی را نیز در قبال دارد، خصوصاً در مواردیکه سفر کننده اخراج میگردد و یا اینکه قاچاق افراد به ترافیک افراد مبدل میگردد که در آن اجبار، فریب و استثمار مشخصات سفر و مرحله پس از مواصلت میباشد. هر گاه مهاجر حین عزیمت دارای همسفران نباشد و حین مواصلت دارای شبکه های حمایت نباشد، آسیب پذیری وی به استثمار خیلی بیشتر است.

مصرف تخمینی سفر از فاریاب به ایران بشمول کرایه موتر، کمیشن و رشوه ها در حدود ۳۰۰ دالر امریکائی میگردد، در حالیکه مصرف کوتاهترین سفر از هرات بطور متوسط ۱۵۰ الی ۲۰۰ دالر امریکائی میگردد. مسافرت با تجربه و یا آنانیکه توسط یکی از اقارب رهنمائی میگردد پول خیلی کمتری میپردازند (۳۰-۶۰ دالر امریکائی).

بصورت عموم یکی از اقارب مهاجر مانند برادر و یا پسر کاکا مصارف سفر را تأمین مینماید که قبلاً در ایران است و برایش از قبل اطلاع داده شده است. مهاجرین تا زمانی از جانب قاچاقبران رها نمیگردند که قرض پرداخته نشود و در صورتیکه لازم باشد تا جهت پرداخت قرض پول توسط خود مهاجر در ایران کمائی گردد، اینکار حد اقل دو الی سه ماه کار ساختمانی بی مهارت را در بر میگیرد.

مهاجرین افغانستان هیچ نوع تأمینات اجتماعی نداشته و بناً خساره ها و خطرات زیادی را متحمل میگردند. فقدان هویت حقوقی، قرارداد های کاری و بیمه آسیب پذیری مهاجر را بیشتر میسازد، خصوصاً در حالات مرضی و یا جراحت. هرگاه مهاجر وادار به متوقف ساختن کار گردد، درینصورت مهاجر مریض و یا مجروح توانائی مواظبت صحی از خویشرا نداشته و اغلباً به افغانستان بر میگردند، مگر اینکه خویشاوندان و یا آشنایان با وی کمک پولی نمایند. علاوه بر آن، مهاجرین در دسترسی به میکائیزم عدلی با

اخراج مهاجرین غیر قانونی افغان

علیرغم نیت حکومت ایران، توقیف و زندانی شدن قاچاقبران و مهاجرین غیر قانونی نتوانسته است که از ورود مهاجرین جلوگیری نماید. اخراج عده افغانها را از بازگشت باز میدارد، ولی صرف نظر از این مثال های مهاجرین "ناکام"، اکثر شان به تلاش خویش جهت عبور از سرحد و یافتن اشتغال ادامه خواهند داد. تا زمانیکه علل عزیمت به ایران و چالش ها در مورد دسترسی به پاسپورت حل نگردند، تقاضا به شبکه های قاچاق نیز پابرجا خواهد بود.

اخراج مهاجرین از ایران در دو محل رسمی عبور از سرحد در غرب افغانستان صورت میگیرد: در سال ۲۰۰۲ از طریق اسلام قلعه بصورت مجموعی ۲۶،۷۳۲ نفر و در سال ۲۰۰۳ به تعداد ۲۸،۳۱۱ نفر اخراج گردیده اند. اخراج شدگان عمدتاً مردان مجرد اند و اکثریت شان در سرحد و یا در امتداد راه شان به شهر ها بازداشت گردیده اند و یک فیصدی کوچکتر در جریان "تلاشی" در مراکز عمده شهری در ایران توقیف گردیده اند. از زمان اعلام ضرب الاجل حکومت ایران برای تمام افغانهای ثبت نشده در مورد ترک کشور الی اخیر اگست سال ۲۰۰۲، در شمار اخراج مهاجرین افزایش بعمل آمده است.^۹

^۹ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR)، ۲۰۰۴، تحلیل اخراج مهاجرین خورد سال بدون همراه ۲۰۰۲-۲۰۰۳، بخش محافظت، هرات، هرات: دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR).

مشکلات مواجهه بوده و در مقابل شان از تبعیض کار گرفته میشود و اکثراً در قضایای جنائی بار ملامتی بدوش آنها انداخته میشود. صدمات عاطفی مشهود اند: بسیاری مهاجرین به علت تشویش از خطر اخراج، مریضی و یا جراحت و مشکلات حقوقی متحمل فشار های زیاد روحی میگرددند و تمام این فشارها بنا بر دوری از خانواده شدید تر میگرددند.

۴. بازار غیر رسمی کار در ایران

وظایف شبکه های فراملتی افغانها

کارگران مهاجر افغان قسماً بعلمت اینکه بدون خانواده هایشان به ایران می آیند میتوانند که در ایران نسبتاً به آسانی از یک جا بجای دیگر بروند و از اقارب، همسایگان، قاچاقبران، حواله دار ها و کارفرمایان (آنانیکه کار و محل رهایش را تأمین نموده و اغلباً مناسبات کاری را با مقامات ایرانی نگهمیدارند) کمک دریافت نمایند. در عین زمان خط نازکی میان کمک به مهاجرین افغان و استثمار آنها وجود دارد، چه میان یکدیگر، میان مهاجرین و قاچاقبران و یا میان ایرانی ها و افغانها، همانند مسئله برقراری روابط کارفرمایان با قاچاقبران که به خساره کارگران تمام میشود.

از نگاه ایده آل، اقارب و یا دوستان در محله های مختلفی که مهاجرین در ایران به آن مواصلت مینمایند از تازه واردین مواظبت مینمایند. آنها به تازه واردین پول قرض میدهند تا به قاچاقبران بپردازند و از آنان دعوت مینمایند که چند روزی را با آنها بود و باش نمایند و حتی ممکن است آنها را جهت کاری-یابی کمک نمایند. با موجودیت آشنایان کارگران مهاجر میتوانند به کمک حمایت دسترسی پیدا نمایند و از گرفتاری در دام استثماری قاچاقبران رهائی یابند. علاوه بر شبکه های اقارب و همسایگان، هم اطالقان که همیشه از عین گروپ قومی و یا محل اصلی سکونت میباشند نیز میتوانند یک واحد بهم وابسته را تشکیل دهند و در کشوری که برای همه شان بیگانه است همدیگر را معاونت و همراهی نمایند. آنان مسئولیت های خانه را در میان هم تقسیم مینمایند، مانند آشپزی، پاک کاری و لباس شویی و در موارد مریضی همدیگر را به شفاخانه میبرند.

شبکه های اجتماعی افغانها در ایران منحصت منابع همبستگی، قرض دهی، اطلاعات در مورد فرهنگ و رسوم در ایران، ارتباط با بازار کار و بود و باش عمل مینمایند و همچنان حمایت اجتماعی و معنوی را تأمین مینمایند. این شبکه ها میتوانند بر مبنای ارتباطات خانوادگی، هویت قومی و یا آشنائی های مربوط به محل سکومت اصلی ایجاد گردند. برخی اوقات قاچاقبران بخش وابسته به این شبکه ها میباشند و پول را به خانه مهاجر در افغانستان و احوال خانه را به مهاجر میرسانند، هر چند وظیفه اخیرالذکر با

استفاده از تیلیفون های موبایل و ستلایت اهمیت کمتری پیدا مینماید.

پالیسی ایران در قبال مهاجرین

در سالهای ۱۹۸۰ زمانیکه توجه مقامات ایرانی بر همبستگی اسلامی معطوف بود، افغانها در ساختار اجتماعی کشور میزبان شان بهتر پذیرفته میشدند. خصوصاً در جریان جنگ علیه عراق و بازسازی متعاقب آن ایران به کارگران افغان ضرورت داشت، با وجودیکه حکومت میخواست که از ایجاد وضع شکل پاکستان جلوگیری نماید که در آن افغانها بر برخی از سکتور های اقتصاد ملی را در انحصار خویش در آوردند.

از آوانیکه نیرو های ائتلاف بین المللی در افغانستان مداخله مسلحانه نمودند و در اواخر سال ۲۰۰۱ طالبان را سقوط دادند، شرایط زندگی افغانها در ایران رو به وخامت گرائیده است، خصوصاً برای خانواده ها. مقامات ایرانی بصورت فزاینده تلاش مینمایند که شمار این خانواده ها را محدود سازند و استدلال مینمایند که در کشور اصلی شان اکنون صلح برقرار است. مقررات بازار کار شدید تر گردیده است و محلات ساختمانی و فابریکه هائیکه کارگران غیر قانونی افغان را استخدام مینمایند محکوم به جریمه های هنگفت میگرددند. تسهیلات خدمات آموزشی و صحتی که در سابق برای افغانها در ایران مهیا بود بتدریج از ایشان بازگرفته شده است.

مارکیت غیر رسمی کار

در عمل صرف نظر از عوامل مختلف رفتن مهاجرین بسوی ایران و امیدواری های شان ازین سفر، اکثر آنان به کارگران مبدل گردیده اند. حینیکه افغانها درمیابند که بسیاری فعالیت ها برای آنها ممنوع است (بطور مثال، آنها اجازه ندارند که دکان باز نمایند) در قدم نخست منحصت کارگران غی-ر ماهر استخدام میگرددند (معمول ترین فرصت های اشتغال کار ساختمانی، حفر جوی ها و کار های زراعتی میباشند). مهاجرین برخی ساحات روستایی در ابتدا کار های زراعتی را انجام میدهند و پس از آن به کار های دیگری در عرصه ساختمانی می پردازند که دستمزد آن بهتر

اند. صرف نظر از سطح بلند بیکاری، اقتصاد ایران به کمک این کارگران مهاجر نیاز دارد، زیرا آنان به معاش نازل قناعت نموده و در زحمت کشی خویش شهرت دارند. طور مثال، در سال ۱۹۹۴- ۱۹۹۵ سهم کار آنان در تولیدات ناخالص ملی ایران ۴،۴٪ بود که مبلغ چندین میلیارد دالر را تشکیل میدهد. علاوه بر آن، آنها بعضاً پول را بر خرید جواهرات و تحفه های دیگر به مصرف میرسانند تا آنرا به خانواده ها در افغانستان بیاورند. کار غیر رسمی و همچنان نمونه های مصرف مهاجرین افغان واضحاً به اقتصاد ایران کمک مینماید، هر چند میزان کامل آن تا هنوز مطالعه نگردیده است.

زمان و نمونه های اقامت

نمونه های موسمی فعالیت های اقتصادی در ایران و افغانستان قسماً عزیمت و بازگشت مهاجرین را تعیین مینماید. در بهار ضرورت کشت زمین مردان زیاد دهاتی را به ساحات اصلی شان جلب مینماید، در حالیکه در تابستان پس از حاصل برداری زمانیکه کار دیگری میسر نیست شمار مسافری به ایران افزایش مینماید. در خزان و زمستان بعلت کاهش در کار های قابل دسترس ساختمانی، مهاجرین بیشتر متمایل اند به وطن شان بازگردند. ولی عوامل دیگری نیز تأثیر دارند که نظر به تقاضای خانوادگی و رویداد های عمده زنده گی مانند عروسی ها تعیین میگردند.

یک مهاجر اغلباً زمانی بیشتر در مسافرت باقی مینماید که مجرد باشد. اولین اقامت در ایران معمولاً طویل ترین میباشد (بعضاً الی چهار، پنج سال و حتی بیشتر از آن)، در حالیکه مردان متأهل معمولاً یک بار بیشتر از دو سال باقی نمی مانند. در هرات نیمه شهری، مردان مجرد معمولاً بیشتر از یک سال اقامت مینمایند، در حالیکه شوهران سفر های کوتاه را ترجیح میدهند که برخی از آنان سال یک بار و یا سال دو بار مسافرت مینمایند. چون سفر به ایران نظر به پاکستان پر مصرف تر و پر مخاطره تر است (برخی افغانها بصورت موسمی هر بار برای چند ماهی به پاکستان مسافرت مینمایند)، مهاجرین معمولاً در ایران مدت طولانی تری اقامت مینمایند.

است. صرف نظر از نوعیت کار، کار هائی را که افغانها در ایران انجام میدهند خسته کن و ثقیل مینمایند. کارگران افغان دایماً در حالت نقل مکان از یک محل ساختمانی به محل دیگری مینمایند. درین رابطه، شبکه های اشتغال نقش کلیدی را ایفا مینمایند و ممکن است افراد متشبت و کاردان مسئولیت یک تیم کاری را احراز نمایند. سرکارگر معمولاً خود یک افغان میباشد و مسئول استخدام کارگران میباشد. کار فرمای ایرانی به وی اختیارات قابل ملاحظه میدهد و تا زمانیکه کار ها مطابق میل آنها پیش میروند در تنظیم روزمره کار ها مداخله اندکی مینماید. کار گران گروپ های مؤقتی بدور یک سردسته جمع گردیده و مناسبات هر فرد با آن رهبر دارای اهمیت اساسی میباشد. اعضای تیم الزاماً از طریق شبکه های موجود باهم مرتبط نیستند، چون ممکن است منابع مناسبات آنان با سردسته متنوع باشند: تعلقات پدری، تعلقات مادری، تعلقات از طریق ازدواج، تعلقات بر مبنای قریه اصلی و غیره.

کارگران افغان در شرایط اقتصاد ایران

ایرانی ها در مقابل افغانها دارای احساس متفاوتی اند. از یک طرف رسانه های گروهی وقتاً فوقتاً آنان را منحیث عاملین بی امنیتی قلمداد نموده و ادعا مینمایند که افغانها فرصت های کاری را از ایرانی ها میگیرند، حتی اگر شواهد اینکار ها خیلی ضعیف باشند. ولی از طرف دیگر چون مهاجرین در بیشترین موارد در خارج از حیطه اداره رسمی دولت کار مینمایند، آنان یک منبع انعطاف پذیر، ارزان و خیلی مثمر کار را تشکیل میدهند که به اقتصاد ایران مفید واقع میشود. بنا بر آن چنان مینماید که بسیاری کارفرمایان آماده اند که در صورت بروز مشکلات برای افغانها با مقامات محلی و ملی از کارگران خویش حمایت نموده، ضامن آنها گردیده و برایشان ضمانت پولی تهیه نمایند.

پالیسی ایران در قبال افغانها باید در رابطه با یک سلسله ناکامی های اقتصادی و رشد ناچیز ملاحظه گردد. علیرغم این بحران و یا بعلت این بحران بازار غیر رسمی کار با سرعت انکشاف نموده است و افغانها درین سکتور برای خود شان جای پائی ایجاد نموده

۵. عواید، مصارف و پس انداز

عواید و پس انداز

معاش بر اساس اجوره روزانه و یا اجاره گیری پرداخته میشود و مبلغ پرداخت شده مربوط به نوعیت کار و سن و مهارت کارگر میباشد. مزد کار در ایران حد اقل دو برابر مزد کارگر در افغانستان است.

یک کارگر غیر ماهر ساختمانی میتواند روزانه در حدود ۵،۰۰۰ الی ۷،۰۰۰ تومان (۵-۷ دالر امریکائی) و یک کارگر ماهر میتواند روزانه در حدود ۸،۰۰۰ الی ۱۰،۰۰۰ تومان (۸-۱۰ دالر امریکائی) کمائی نماید، در حالیکه کارگر روزمزد در افغانستان روزانه ۱۰۰-۱۵۰ افغانی (۲-۳ دالر امریکائی) و یک کارگر ماهر در حدود ۳۰۰ افغانی (۶ دالر امریکائی) کمائی نموده و کار ها نیز بصورت منظم دستیاب نمیگردند.

الی شش بار پول فرستاده میشود که در ولایات همجوار با ایران کثرت ارسال پول بیشتر میباشد.^{۱۰}

در مجموع، پول های ارسالی خانوار ها را در محلات اصلی شان نگه میدارد و در برخی موارد حینیکه مهاجرین از مهاجرت برگشته اند این امر زمینه جذب دوباره شان را در جامعه میسر میسازد. برای اکثریت افغانها مهاجرت یک شیوه سازگاری جهت حفظ دارائی هایشان و ایجاد تنوع در آن میباشد، ولی انتقال پول همچنان در ایجاد و اشاعه مناسبات اجتماعی نقش قاطع ایفا مینماید زیرا این مناسبات وسیله عمده جهت حفظ تماس و همکاری میان اعضای پراکنده خانوار میباشد. حتی میتوان قرض را منحیث یک میکانیزم رویه بالمثل تلقی نمود که نه تنها ضروریات پولی، اقتصادی و اجتماعی را مرفوع میسازد، بلکه همچنان شبکه های اجتماعی را در داخل و خارج کشور تحکیم و حفظ مینماید.

سیستم حواله: مصارف و مزایا

از زمان حملات ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱، رسانه های گروهی به سیستم حواله علاقمندی پیدا نموده اند و اکثراً بر استفاده آن توسط شبکه های تروریستی تأکید مینمایند. گرچه ممکن است حدود این سیستم به دیگران واضح نباشد، سیستم انتقال پول که توسط مهاجرین افغان ایجاد گردیده است نباید همردیف شبکه های بین المللی قاچاق و به دوران انداختن پول های مجهول و نا مشروع قلمداد گردد. چنین نقطه نظر نا مناسب میباشد، زیرا اینکار عملکردی را بی اعتبار میسازد که مصیبت بشری را در افغانستان محدود ساخته است. سیستم غیر رسمی حواله در خارج از حیطه کنترل دول ایران و افغانستان عمل نموده و بخاطر نظم و کفایت خویش در شرایط عدم موجودیت بدیل های رسمی بانکداری شهرت دارد.

حواله دار و یا کارشناسان انتقال پول یک سیستم مطمئن، با سهولت و ارزان را جهت پرداخت پول در سطح بین المللی و داخلی تأمین نموده اند.^{۱۱} مصرف انتقال پول از طریق سیستم حواله و دیگر چینل های غیر رسمی بصورت عموم کمتر از چینل های رسمی بوده و بنأ این سیستم برای قشر پائینی مردم در جامعه افغانی مفید میباشد.

مهاجرین میتوانند یک بخش نسبتاً بلند معاش خویش را پس انداز نمایند، زیرا آنها صرف در حدود ۱،۰۰۰ تومان را روزانه جهت تهیه غذا و دیگر ضروریات ابتدائی به مصرف میسازند. بطور متوسط نظر به عواید مهاجر و مصارف زنده گی در حدود ۷۰-۸۰ فیصد عواید شان به افغانستان فرستاده شده میتواند.

انتقال پول

جریان انتقال پول یک منبع مهم فند ها برای کشور های رو به انکشاف میباشد که عواید خانواده ها را بیشتر ساخته و ذخایر اسعار خارجی کشور را افزایش می بخشد. خصوصاً در مواردی که کارگران غیر ماهر مهاجرت مینمایند نفع اینکار برای کشور اصلی شان واضح است: مصرف مواد استهلاکی و سرمایه گذاری تأثیرات مثبت ایجاد مینماید، خانواده ها امرار معاش نموده میتوانند، از کاهش بیشتر دارائی ها جلوگیری میگردد و در برخی موارد انباشت دارائی صورت میگیرد.

جدول شماره ۱: مصارف و معاشات مهاجرین در ایران و انتقال پول توسط آنها

قیمت رسمی پاسپورت	۱،۱۶۰ افغانی (۲۳ دالر امریکائی)
قیمت پاسپورت در دهات	۱۵،۰۰۰ افغانی (۳۰۰ دالر امریکائی)
فاریاب	
قیمت ویژه توریستی ایران	۳۰ دالر امریکائی
قیمت ویژه تجارتي ایران	۹۰ دالر امریکائی
پول حق العمل قاچاقبر	۳۰۰ دالر امریکائی
جهت سفر از فاریاب به ایران	
پول حق العمل قاچاقبر	۱۵۰ - ۳۰۰ دالر امریکائی و برای مسافرین با تجربه این مقدار خیلی کمتر بوده میتواند (۳۰-۶۰ دالر امریکائی)
جهت سفر از هرات به ایران	
اجوره روزانه در افغانستان	کارگران غیر ماهر: ۱۰۰-۱۵۰ افغانی (۲-۳ دالر امریکائی) کارگران ماهر: ۳۰۰ افغانی (۶ دالر امریکائی)
اجوره های روزانه در ایران	کارگران غیر ماهر: ۵،۰۰۰-۷،۰۰۰ تومان (۵-۷ دالر امریکائی) کارگران ماهر: ۸،۰۰۰-۱۰،۰۰۰ تومان (۸-۱۰ دالر امریکائی)
کمیسیون حواله	۳ فیصد
کمیسیون حواله از طریق قاچاقبر	۵ فیصد
مقدار پولی که سالانه از ایران فرستاده میشود	۵۰۰-۱،۲۰۰ دالر (۷۰-۸۰ فیصد عواید)

انتقال پول و مبالغ پس انداز از ایران به افغانستان یک طریقه مهم تأمین امرار معاش برای برادر بزرگ میباشد، در صورتیکه پدر فوت نموده باشد. برخی اوقات مبلغ ارسالی تقسیم میگردد و به اعضای مختلف خانوار فرستاده میشود. مبلغ متوسط پول ارسالی مبلغ ۵۰۰-۱،۲۰۰ دالر امریکائی در یک سال میباشد، در حالیکه یک معمار خاطر نشان ساخت که وی توانسته است که مبلغ ۲،۰۰۰ دالر را در یک سال ارسال نماید. بطور متوسط در یک سال چهار

^{۱۰} این تخمین ها بر اساس ارقام پول ارسالی مهاجرینی صورت گرفته است که حد اقل یکسال را در ایران سپری نموده اند. هر گاه صرف یک مبلغ ارسال گردیده باشد و یا اینکه زمان سپری شده در ایران مشخص نگردیده باشد، درینصورت این رقم در محاسبه مبلغ متوسط مورد استفاده قرار نگرفته است. علاوه بر آن، برخی تخمین ها ممکن است بر اساس مجموعه بلند تر ارقام بنا یافته باشد که ممکن است موجب تورم رقم متوسط پول های ارسالی در یکسال گردیده باشد. به اثر موسسوتی بنام "جنگ و مهاجرت" مراجعه گردد.
^{۱۱} مایمو، ۲۰۰۳، معامله گران تبادل اسعار در کابل: مطالعه سیستم حواله در افغانستان، رساله کاری شماره ۱۳، واشنگتن، دی سی: بانک جهانی، ۱.

۳۰۰ میلیون دلار امریکائی ارسال مینمودند. این جریان انتقال پول قابل ملاحظه بوده و در جریان بیشتر از ۲۰ سال جنگ هم از نگاه قطعی و هم از نگاه نسبی به صورت چشمگیر افزایش یافت. سیستم حواله امکانات اعاشه را به بسیاری خانواده ها فراهم نمود. پول های ارسالی خیلی بیشتر از رقم مجموعی کمک بشری بوده و خیلی بهتر توزیع میگرددند. ابعاد اجتماعی انتقال پول نیز خیلی مهم بوده میتواند، زیرا علیرغم پراکنده گی اعضای خانواده و فقدان تامينات اجتماعی در حفظ و انکشاف مناسبات اجتماعی نقش قاطع ایفا مینماید.

در سال ۲۰۰۴ حواله دار ها بخاطر انتقال پول از ایران به افغانستان از ۱۰۰،۰۰۰ تومان مبلغ ۳،۰۰۰ تومان کمیشن میگرفتند (که مساوی به سه فیصد کمیشن میباشد)، در حالیکه چینل های دیگر مانند قاچاقبران بعضاً حتی کمتر از آن کمیشن میگیرند. در ایران، برخی افراد از کارگران مهاجر کمیشن بلند تر ۵ فیصد میگیرند و منحصراً دلال میان مهاجرین و حواله دار عمل مینمایند و بنا بر آن مصرف انتقال پول را به کارگران مهاجر افزایش میدهند. مواردی گزارش داده شده است که فریب کاران خود را به حیث حواله دار جا زده اند. صرف نظر از برتری های این سیستم غیر رسمی انتقال پول، این واقعیت که سیستم حواله در خارج از چینل های رسمی قرار دارد نه تنها موجب خسارات مالی برای دولت میگردد، بلکه زمینه سوء استفاده از سیستم و تحمیل خساره بر مهاجرین میگردد.

برخی تخمین ها نشان میدهد که در سالهای ۱۹۷۰ افغانستان که در ایران و یا کشور های خلیج کار مینمودند سالانه در مجموع ۱۰۰-

۶. راه بسوی آینده: مهاجرت منحصراً یک استراتژی کلیدی تأمین معیشت

به مشکل پناهندگان که توسط دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR) توصیه گردیده و انکشاف داده میشود فراتر نظر انداخته شود که عبارت اند از عودت داوطلبانه به کشور اصلی، جذب در کشور میزبان و یا اسکان مجدد در کشور ثالث.

بدون انکار از اهمیت حفاظت و حمایت از آسیب پذیر ترین مردم، به چنان راه حل جامع ضرورت مبرم احساس میگردد که شیوه های انکشاف داده شده توسط افغانها را در نظر گیرد که در آن مردم میان افغانستان و کشور های همجوار آن رفت و آمد نمایند.

حتی اگر در افغانستان علل مهاجرت تا حد ممکنه رفع گردند و حکومت افغانستان بتواند که بتدریج رهبری مؤثر، با صلاحیت و دموکراتیک را تأمین نماید، بدون شک بعثت افزایش نفوس، عقب ماندگی کشور، فقدان پیگیر حاکمیت قانون و امکانات مصائب طبیعی و همچنان مقتضیات اقتصادی کشور های همسایه، مهاجرت همچنان ادامه خواهد داشت.

جهت رفع نمودن مصارف مالی و سایر مصارف سفر برای کارگران مهاجر افغان که در جستجوی کار در ایران اند با در نظر داشت تأمین امنیت فردی و دولتی توصیه های ذیل صورت میگیرد:

- این مسئله که افغانها کار را در خارج از کشور شان جستجو مینمایند باید از جانب حکومت و جامعه امداد منحصراً یک شیوه کلیدی تأمین معیشت و در مجموع منحصراً یک عامل

مهاجرت نه تنها یک پاسخ به جنگ، بی امنیتی و فقر میباشد، بلکه همچنان یک شیوه مثبت معیشت میباشد. بنابراین نباید چنین فکر گردد که مهاجرت یک پدیده گذرا و مؤقتی است. شبکه های مؤقتی و سیستم انتقال پول که توسط افغانها ایجاد گردیده است برای پالیسی های حکومت، کشور های همسایه و جامعه امداد دارای اهمیت عملی میباشد. با آنکه نقش این شبکه ها در بازسازی افغانستان قاطع بوده و هیچ نوع تلاش پایدار جهت اعمار مجدد آن نمیتواند از آن چشم پوشی نماید، با آنهم درک کمتری از این شبکه ها وجود دارد.

مردم افغانستان خلاقیت و تحرک خویشرا در انکشاف شیوه های مؤثر اجتماعی در شرایط جنگ و مشکلات اقتصادی به اثبات رسانده اند. کارگران مهاجر بصورت فعالانه به معیشت خانواده هایشان و بازسازی کشور شان کمک مینمایند. بصورت عموم، سیستم مهاجرت و انتقال پول برای شبکه هائیکه از لحاظ جغرافیائی پراکنده اند زمینه حفظ روابط قوی اجتماعی را مهیا میسازد.

تحرک افغانها تفاوت میان مهاجرت اجباری و داوطلبانه را نامشخص میسازد زیرا شیوه های اجتماعی مردمیکه بنام پناهنده یاد میگردند و آنانیکه مهاجرین اقتصادی اند برخی اوقات خیلی مشابه است. ضرورت خیلی عینی وجود دارد که از سه راه حل ایکه

- مهم در امر بازسازی افغانستان مورد پذیرش قرار گیرد. علیرغم تغییر در شرایط سیاسی و اقتصادی، مهاجرت منحنی پيامد سالهای متمادی جنگ و خشکسالی ادامه دارد و در آینده قابل پیشبینی نیز ادامه خواهد داشت.
- تحکیم متداوم مناسبات متقابل میان افغانستان و ایران باید شامل ایجاد یک پلان قانونی مهاجرت نیروی کار و حضور بیشتر حکومت افغانستان در ایران باشد (با اشتراک وزارت کار و امور اجتماعی). چنین پلان باید در زمینه مسافرت رسمی کارگران تسهیلات ایجاد نموده و برای آنان یک هویت واضح حقوقی و حقوق قانونی تأمین نماید. باید از پالیسی ایکه مهاجرت را محدود میسازد به پالیسی ایکه مهاجرت را تنظیم مینماید گذار صورت گیرد و حکومت هر دو کشور از مزایای تحرک بیشتر نیروی بشری در سطح بین المللی بهره برداری نموده و بدین ترتیب از تأثیرات منفی قاچاق افراد و فساد جلوگیری نمایند.
- آگاهی بیشتری از سهم افغانها در اقتصاد ایران چه در عرصه کار و چه در عرصه های دیگر موجب کاهش تبعیض در مقابل افغانها در ایران خواهد گردید.
- گرچه مسئله افغانهای که به کشورهای همسایه مهاجرت مینمایند تفاوت میان "موقف پناهنده" را که در سطح بین المللی شناخته میشود و مهاجرت کاری را نامشخص میسازد، باید بخاطر داشت که هنوز هم مردمان آسیب پذیر وجود دارند که باید حفاظت و حمایت گردند. در مطابقت با کنوانسیون های بین المللی، باید از پناهندگان حفاظت گردد و میکانیزمی جهت تشخیص پناهندگان ایجاد گردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان (AREU) یک سازمان مستقل تحقیقاتی بوده که تحقیقات و آموزش قابل تعمیل را انجام و یا تسهیل مینماید که از آن در طرح پالیسی و عملکرد استفاده صورت میگیرد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تحکیم ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت های تحلیل، تفکر و مباحثه، روش های تحقیقاتی و آموزشی را بصورت فعالانه در افغانستان ترویج می نماید. یکی از اصول بنیادی هدف واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان اینست که کار آن باید زندگی افغانها را بهبود بخشد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط جامعه امداد که در افغانستان مصروف کار اند، ایجاد گردیده و دارای یک هیئت مدیره میباشد که در آن نمایندگان مراجع کمک دهنده، ملل متحد و سازمان ها و مؤسسات چندین جانبه و مؤسسات غیر دولتی (NGO) ها عضویت دارند.

وجوه جاری برای واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان توسط دفتر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) کمیسیون اروپائی (EC)، دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین (UNHCR)، Stichting Vluchteling (SV)، بانک جهانی، دیپارتمنت انکشاف بین المللی انگلستان (DFID) و حکومت سویدن، سوئیس و دنمارک اعطاً گردیده است.

جهت اطلاعات بیشتر و درخواست نشریات با واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان به این آدرس تماس بگیرید:

چهاراهی انصاری، (مقابل انصاف هتل و پاپولانو رستوران)

شهر نو، کابل افغانستان

تلفون: ۶۳۷ ۲۷۶ ۷۰ (۰) ۹۳ + صفحه انترنیت: www.areu.org.af ایمیل: areu@areu.org.af